



فرہنگ نامہ

تقوا

محمدی ری شہری
مرتضیٰ خوش نصیب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ - ۱۴۰۱؛ خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ نامه تقوا؛

محمد محمدی ری شهری؛ محمد مرتضی خوش نصیب؛

ویراستار فارسی محمد باقری زاده اشعری؛ ویراستار عربی حسنین دباغ پور پژوهشگاه قرآن و حدیث.

مشخصات نشر: قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۷-۱۹۶-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ - ۱۴۰۱.

شناسه افزوده: خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲-، ترجمه متن عربی.

شناسه افزوده: پژوهشگاه قرآن و حدیث.

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۳۶۱۹۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

فرهنگ نامہ تقوا

محمد محمدی ری شهری

مرتضی خوش نصیب

www.hadith.net

فرهنگ‌نامهٔ تقوا

محمد محمدی ری‌شهری، مرتضی خوش‌نصیب

مترجم: مرتضی خوش‌نصیب

مصدریاب: علی عظیمی شندآبادی، سید حسن مؤمنی

پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۲۸۳

شمارهٔ فروست فرهنگ‌نامه‌ها: ۲۱

ویراستار فارسی: محمد باقری‌زاده اشعری

ویراستار عربی: حسنین دباغ‌پور

نمونه‌خوان: علی نقی پارسانیا

حروفچین: حسین افخمیان

صفحه‌آرا: مهدی خوشرفتار اکرم

طراح جلد: حسن فرزائگان

ناشر: مؤسسهٔ انتشاراتی دار الحدیث

چاپ: اول، ۱۴۰۲ ش

چاپخانه: خانهٔ چاپ جمکران

شمارگان: ۵۰۰

مؤسسهٔ انتشاراتی دار الحدیث: قم، میدان شهدا، ابتدای خیابان معلم، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۶۵۰ و ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳-۰۲۵ ص.پ: ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

<http://darolhadith.ir>

@gmail.com۲۰darolhadith.

فهرست اجمالی

پیش‌گفتار

درآمد

فصل اول: شناخت تقوا

فصل دوم: سفارش به تقوا

فصل سوم: پایه‌های تقوا

فصل چهارم: بی‌تقوایی

فصل پنجم: آثار تقوا

فصل ششم: برترین چهره‌های تقوا

فهرست تفصیلی

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ^۱)

ای مؤمنان! از خداوند، چنان که سزاوار پروا از اوست، پروا کنید).

تقوا را نگهداشت انسان از عوامل آسیب‌رسان به روح و فطرت الهی او معنا کرده‌اند. این خصلت، ملکه و مصونیتی درونی است که آدمی را در رویارویی با ناشایست‌ها و نابه‌سامانی‌ها محفوظ می‌دارد و تعالی فطرت خداخواه او را موجب می‌گردد.

تقوا، پیش از آن که مفهومی برآمده از دین باشد، برخاسته از فطرت الهی انسان و عقل خداداد اوست که با عمل به آموزه‌های وحیانی تقویت می‌شود و به اوج می‌رسد. در این میان، توصیه به تقوا، در جای جای کتاب خدا، چنان دامن‌گستر است که در بیش از شصت آیه، به صراحت و با تعبیر «اتَّقُوا اللَّهَ» یا واژه‌های مشابه، حتی پیامبر صلی الله علیه و آله را که در بالاترین مرحلهٔ عبودیت و بندگی است، شامل می‌شود.^۲

پر بسامد بودن واژگان هم‌خانوادهٔ تقوا (با بیش از ۲۵۰ بار کاربرد قرآنی) و فراوانی آنها در جای‌جای منابع حدیثی و بویژه کتاب شریف نهج البلاغه، بیانگر اهمیت و صف‌ناپذیر رعایت آن در سرنوشت هر انسانی است؛ زیرا عاقبت [به خیری] از آن تقوایی‌شان است.^۳

نکتهٔ بسیار مهم و توصیه شده در آیات و احادیث، این است که رعایت تقوا، هرگز به معنای انزوای طلبی و دوری‌گزیدن از مردم و اجتماع نیست؛ بلکه به معنای وجود روحیهٔ مصونیت‌بخش در درون انسان، همراه با حضور فعال او در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی است.

از این منظر، برخی تقوا را به دو گونهٔ تقوای «ضعف» و «قوت» یا تقوای «فرار» و «حضور» تقسیم کرده‌اند. مراد از تقوای ضعف، صفتی است که مداخله در امور اجتماعی را ناپسند می‌شمارد و انزوا را توصیه می‌کند تا مبادا حضور در اجتماع، سبب لغزش شود!

شهید مطهری، این شعر سعدی را ناظر به تقوای ضعف دانسته و این صفت و شیوه را ناشایست شمرده است:^۴

بزرگی دیدم اندر کوهساری قناعت کرده از دنیا به غاری

^۱ آل عمران: آیهٔ ۱۰۲.

^۲ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ! أَيُّهَا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ! اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ). (احزاب: آیهٔ ۱).

^۳ (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (قصص: آیهٔ ۸۳).

^۴ ر. ک: ده گفتار: ج ۱ ص ۲۲.

چرا گفتم به شهر اندر نیایی؟ که باری بندی از دل برگشایی؟

بگفت آن جا پری رویان نغزند چو گل بسیار شد، بیلان بلغزند.^۱

باری تلاش ما در فرهنگ‌نامه تقوا جمع‌آوری و ارائه بایسته‌ها و شایسته‌های این صفت ارزشمند، به منظور نهادینه‌سازی آن در عموم افراد، هم‌زمان با حضور در جامعه، بر اساس آیات و احادیث اسلامی است.

این مجموعه، یکی از مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث است که با توجه به نیاز جامعه مخاطب، به صورت جداگانه نیز منتشر می‌شود.

رحمت و غفران خداوند متعال بر روان آیه الله محمدی ری‌شهری، (بنیان‌گذار مؤسسه دار الحدیث و سرمؤلف دانش‌نامه قرآن و حدیث) که طراحی این اثر و دیگر مدخل‌های دانش‌نامه یاد شده با سعی و تلاش فراوان ایشان به انجام رسید! تلاش مجدانه حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای مرتضی خوش‌نصیب، به عنوان یاریگر اصلی این پژوهش و مترجم آن، شایسته قدردانی است.

همچنین وظیفه خود می‌دانم از همه پژوهشگرانی را که در تدوین آثار پژوهشکده علوم و معارف حدیث مشارکت داشته‌اند، سپاس‌گزاری نمایم.

به مدد الهی، دیگر مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث که قابلیت انتشار مستقل را دارند نیز در آینده، در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت.

امید که این اثر، بر معرفت ما و خوانندگان بیفزاید و زمینه عمل به محتوای آیات و احادیث را در روح و جانمان نهادینه کند، بَمَنَّة و کَرَمِه.

سید محمدکاظم طباطبایی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

۱۴۰۱/۹/۲۷

^۱ گلستان سعدی: باب پنجم (در عشق و جوانی).

تقوا در لغت و متون دینی

تقوا به معنای نگاهداشت خود و دور کردن چیزی رنج‌آور یا زیان‌رسان به وسیله چیزی دیگر است.^۱

در فرهنگ اسلامی، تقوا به خصیصه پایش و مواظبت و مراقبت و حفظ نفس آدمی گفته می‌شود که به صورت پایبندی به انجام رفتارهای شایسته و نیز دوری و اجتناب از رفتارهای ناشایست بروز می‌کند و از این روست که تقوا به «حضور داشتن در جایی که باید و حاضر نبودن در جایی که نباید» تفسیر شده است.^۲

از آنچه گفته شد، بر می‌آید که تقوا، علاوه بر دوری و پرهیز، در بر دارنده مفهوم کنش و انجام دادن امور مورد پسند عقل و شرع هم هست؛ دوگانه‌ای که با پایبندی به آنها در کنار هم، تقوا و حفظ جان و روح آدمی به درستی رخ می‌نماید.

بر این اساس، ترجمه تقوا به پرهیزگاری و پرواگری به عنوان متداول‌ترین معادل‌ها در زبان فارسی بر این نگرش استوار است که انجام واجبات و ترک محرمات به عنوان خمیرمایه‌های اصلی تقوا، هر یک به گونه‌ای پرهیز از نافرمانی خداست. مسلمان راستین و مؤمن واقعی، کسی است که پیوسته با دور ماندن و پرهیختن از معصیت و نافرمانی الهی، از حقیقت انسانی خود مراقبت نماید.

بازگای مفهوم تقوا

تقوا، مفهومی درونی،^۳ ارزشی^۴ و بیان‌کننده یک رابطه چندجانبه میان انسان تقواییش، زیان و رنجی که خود را از آن حفظ می‌کند و ابزار و وسیله‌ای است که با آن از خود محافظت می‌نماید. همان گونه که هر فردی می‌تواند با به تن کردن لباس، خود را از گرما و سرما و با پوشیدن زره و کلاه خود، خود را از مجروح شدن در جنگ در امان بدارد، می‌تواند با رعایت تقوا، وسوسه شیطان و تحریک او به گناه و نافرمانی را بی‌زمینه یا بی‌اثر کند و جان خود را از عذاب الهی و رنج دنیا و آخرت آن برهاند.

(یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ خَيْرٌ ذَلِكْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ.^۵

^۱ ر.ک: مقاییس اللغة: ماده «وقی».

^۲ ر.ک: ص ۲۷ ح ۲۹.

^۳ ر.ک: ص ۱۹ (دل، معدن تقوا).

^۴ ر.ک: ص ۴۱ (ویژگی‌های تقوا).

^۵ اعراف: آیه ۲۶.

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایهٔ زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری، بهتر است. اینها [همه] از آیات خداست. امید است یادآور [نعمت‌های او] شوند).

با این همه، آنچه در تبیین مفهوم قرآنی «تقوا» به صورت ویژه مورد تأکید است، این که تقوا در حفظ و جان روح آدمی از کفرهای دنیا و آخرت خلاصه نشود، بلکه حقیقت تقوا، فراتر از حفظ حریم انسانی بنده، در پاسداری و نگاهداشت حریم الهی معنا پیدا می‌کند.

بر این مبنا، تقوا مفهومی دارای مراتب و درجات متعدد است که مراتب عالی آن — که آیهٔ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ؛ ای مؤمنان! از خداوند، چنان که سزاوار پروا از اوست، پروا کنید) آن را می‌طلبد — از حفظ فرد تقوایی‌گذاشته گذر کرده و بر حفظ حرمت و حریم خدای سبحان تمرکز یافته است.

جلوه‌های تقوا

باید دانست که دو مفهوم «تقوا» و «گریز از عرصه و عمل گناه‌آلود» تعابیر و مفاهیمی معادل هم به شمار نمی‌آیند؛ زیرا گریز از گناه، تنها یک نمود تقوا و یک شیوهٔ عینی حفاظت از خود است، مانند دوری گزیدن از مجلسی که در آن سخنان ناروا گفته می‌شود.^۲ در حقیقت، تقوا، حالتی درونی و احساسی شکل گرفته در جان و دل آدمی است که از خشیت الهی و درک عظمت پروردگار یا بیم از نظارت و عدالت او نشئت می‌گیرد.

این احساس درونی، در ساحت‌های عقیده و بینش و کنش آدمی نمود و بروز پیدا می‌کند: در میدان اعتقاد، در باورمندی به توحید و پذیرش ولایت اولیای ویژهٔ خدای متعال، در عرصهٔ بینش، در تشخیص سود و زیان و فرق نهادن میان حق و باطل و خوب و بد،^۳ و در میدان کنش، در تنظیم رفتارهای خویشنداران در مقاطع گوناگون زندگی.^۴

پایه‌های تقوا

قرآن و احادیث اسلامی به عنوان متون اصیل و اصلی دینی ما، آکنده از رهنمودهایی هستند که چگونگی دستیابی به ویژگی گران‌قدر تقوا را بیان کرده‌اند.^۵ در این میان، از تعقل و خردورزی که اصلی‌ترین سرمایهٔ انسان و بهترین هدیهٔ خدا

^۱ آل عمران: آیهٔ ۱۰۲.

^۲ ر.ک: انعام: آیهٔ ۶۸.

^۳ ر.ک: انفال: آیهٔ ۲۹، اعراف: آیهٔ ۲۰۱.

^۴ ر.ک: ص ۲۵ (نشانه‌های تقوا) و ص ۸۱ (ویژگی‌های تقوایی‌گذاشته).

^۵ ر.ک: ص ۱۳۱ (فصل سوم: پایه‌های تقوا).

به آدمی است، به عنوان پایه، خاستگاه و زمینه‌ای بسیار مهم برای تقوایی‌گی یاد شده است. عقل با کسب علم و آگاهی در کنار دریافت الهام الهی به وسیله قلب، در پرتو ایمان به کتاب خدا و توجه به اندرزها و هشدارهای خاندان عصمت و هدایت، خیر و شر آدمی را تشخیص می‌دهد و آثار و پیامدهای عملکرد او را به وی می‌نمایاند تا او خود را از شر و بدی برهاند و به خیر و خوبی برساند.

از جهاد با نفس و محاسبه دائمی آن، توکل بر خدا و صدق و پایداری و انجام عباداتی همچون نماز و روزه و ذکر و دعا و حاجت‌خواهی از پروردگار نیز به عنوان عوامل تقویت تقوا یاد شده است. در برخی احادیث، بی‌نیازی مالی نیز یاور تقوا دانسته شده است. این یاری، شاید از آن رو باشد که مال، دام شیطان است^۱ و کسی که به دلیل داشتن مالی به قدر کفاف و مهم‌تر از آن به خاطر داشتن روحیه قناعت به آنچه دارد، از مال‌اندوزی احساس بی‌نیازی کند، زمینه تله‌گذاری شیطان را در عرصه گسترده‌ای از جان خود، بر چیده است.

موانع تقوا

برای رسوخ تقوایی‌گی در عمق جان آدمی، نیاز است تا در کنار بهره‌گیری و تقویت زمینه‌های تقوا و پرهیزگاری، موانع پیش روی آن را نیز زدود. ^۲ از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه تقوا، محبت ورزیدن به جلوه‌های ناپایدار و فناپذیر دنیاست که به فرموده پیشوایان الهی، سرآمد همه لغزش‌هاست. ^۳ همچنین غلبه شهوت بر عقل - که جلوه دیگر دنیاپرستی است - مانعی مستحکم در برابر تقوایی‌گی است. از این رو هر کس بتواند بر هوا و هوس خود چیره شود، به تقوا دست یافته است. در حوزه روابط اجتماعی نیز از درگیری‌ها و کشمکش‌ها و نیز طمع‌ورزی به داشته‌های دیگران و فقر و ناداری، به عنوان مانع‌های بزرگ بر سر راه تقوا یاد شده است. این امور، زمینه ورود شیطان را هموار می‌کنند و نیروی درونی و عقلانی انسان را برای رویارویی با وسوسه‌های نفسانی و شیطانی کاهش می‌دهند. بی‌شرمی و کم‌حیایی نیز مانع جدی تقوا ورزیدن است. در واقع، شخصی که پرده حیا را می‌برد، از گناه در حضور مردم و خداوند، باکی ندارد و همین، بازار شیطان را در برانگیختن او به سوی همه آلودگی‌ها سکه می‌کند.

آثار سازنده تقوا

تقوایی‌گی، ویژگی‌ای است که در زندگی دنیوی و اخروی و نیز شخصیت فرد پرهیزگار، تأثیری شگرف دارد و برکات آسمانی و زمینی را نثار او می‌کند: ^۴ خداوند، هدایت ویژه‌اش را ارزانی او می‌دارد، بصیرت به هنگام وسوسه شیطان را با

^۱ ر.ک: میزان الحکمة: ج ۱۱ ص ۱۴۸ (مال، دام ابلیس است).

^۲ ر.ک: ص ۱۷۵ (فصل چهارم: بی‌تقوایی).

^۳ ر.ک: الکافی: ج ۲ ص ۱۳۱ ح ۱۱.

^۴ ر.ک: ص ۱۹۱ (فصل پنجم: آثار تقوا).

وی همراه می‌سازد و توان تشخیص حق از باطل و ملاک درست عمل کردن و به تعبیر قرآن مریم، «فرقان» را در اختیارش می‌نهد. همچنین توفیق دوری از کارهای ناروا را نصیبش می‌کند و دامانش را از حسادت و بسیاری زشتی‌های دیگر پاکیزه می‌دارد و وی را به صلاح و خیر می‌رساند. شخص پرهیزگار، با خدا و اولیایش پیوند دوستی برقرار می‌کند و عزت و شرف کسانی را می‌یابد که خداوند، خود سرپرستی‌شان را به عهده گرفته است.

تقوایبندگان، کسانی هستند که همراهی و یاری خدا را دارند و از این رو کارهایشان آسان می‌شود. از هر تنگنایی خلاصی می‌یابند و بر دشمن خود چیره می‌شوند و با ثبات در راه حق، به بشارت الهی در دنیا و آخرت و رهایی از عذاب هر دو سرا دست می‌یابند. خداوند، لغزش‌های کم‌شمار آنان را نادیده می‌گیرد و فرجام خوش حشر کریمانه و سرور و شادکامی را در آن دنیا بهره‌شان می‌کند. اینان در آن سرا، پاداش بزرگ یک عمر پرواگری را در بهشت رضوان در محیطی امن و مصفا دریافت می‌کنند و جواز ورود به زمره کسانی را می‌یابند که جزو اهل بیت پیامبر علیهم السلام شمرده می‌شوند.

توجه به این همه برکات پرارزش در همه ساحت‌های وجودی و عملکردی آدمی نشان می‌دهد که چرا بسیاری از توصیه‌های الهی، زمینه رسیدن به تقوا دانسته شده است. قرآن کریم در آیات متعددی، با آوردن واژه «لَعَلَّ» (به معنای ابراز امیدواری)، حکمت یا غایت بسیاری از قانون‌گذاری‌ها و اوامر الهی را رسیدن به تقوا اعلام می‌کند؛^۱ تقوایی که اسوه‌های آن، پیامبر صلی الله علیه و اله، امام علی علیه السلام و فرزندان پاک و مطهرشان هستند.^۲

۱. ر.ک: سوره بقره: آیه ۲۱، ۶۳، ۱۷۹، ۱۸۳ و ۱۸۷، انعام: آیه ۵۱، ۶۹ و ۱۵۳، اعراف: آیه ۱۶۴ و ۱۷۱، طه: آیه ۱۱۳.

۲. ر.ک: ص ۲۷۱ (فصل ششم: برترین چهره‌های تقوا).

فهرست تفصیلی

پیش‌گفتار

درآمد

تقوا در لغت و متون دینی... ۱۱

بازکاوی مفهوم تقوا... ۱۲

جلوه‌های تقوا... ۱۳

پایه‌های تقوا... ۱۴

موانع تقوا... ۱۵

آثار سازنده تقوا... ۱۵

فصل اول: شناخت تقوا

۱ / ۱. دل، معدن تقوا... ۱۹

۱ / ۲. حقیقت و روح تقوا... ۲۱

۱ / ۲ - ۱. یکتاپرستی... ۲۱

۱ / ۲ - ۲. ولایت پیامبر و خاندانش علیهم السلام... ۲۳

۱ / ۳. نشانه‌های تقوا... ۲۵

۱ / ۳ - ۱. آموختن دانش و عمل به آن... ۲۵

۱ / ۳ - ۲. بزرگداشت نمادهای الهی... ۲۵

۱ / ۳ - ۳. انجام واجبات و پرهیز از محرّمات... ۲۷

۱ / ۳ - ۴. احتیاط شدید... ۲۷

۴ / ۱. پله‌های تقوا... ۲۹

۵ / ۱. حق تقوا... ۳۵

۶ / ۱. ویژگی‌های تقوا... ۴۱

۱ - ۶ / ۱. برتر از ایمان... ۴۱

۲ - ۶ / ۱. معیار کرامت و بزرگواری... ۴۱

۳ - ۶ / ۱. معیار پذیرش اعمال... ۵۱

۴ - ۶ / ۱. موجب دستیابی به ولایت خدا و دوستانش... ۶۱

۵ - ۶ / ۱. بهترین توشه... ۶۵

۶ - ۶ / ۱. در برگیرنده همه خیرها... ۶۹

۷ - ۶ / ۱. سرآمد کارها... ۷۱

۸ - ۶ / ۱. برترین کار... ۷۱

۹ - ۶ / ۱. محکم‌ترین دستاویز... ۷۳

۱۰ - ۶ / ۱. فاخرترین جامه... ۷۳

۱۱ - ۶ / ۱. هوشمندی... ۷۷

۱۲ - ۶ / ۱. سودمندترین چیز... ۷۷

۱۳ - ۶ / ۱. و این ویژگی‌ها... ۷۷

۷ / ۱. ویژگی‌های تقوای پیشگان... ۸۱

فصل دوم: سفارش به تقوا

۱ / ۲. سفارش خداوند به تقوا... ۹۷

۲ / ۲. سفارش پیامبران خدا به تقوا... ۱۰۳

۲ / ۳. سفارش خاتم پیامبران به تقوا... ۱۰۷

۲ / ۴. سفارش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به تقوا... ۱۱۳

۲ / ۵. سفارش به پیوند و معاشرت با تقوای پیشگان... ۱۲۷

فصل سوم: پایه‌های تقوا

۳ / ۱. خرد... ۱۳۱

۳ / ۲. دانش و معرفت... ۱۳۳

۳ / ۳. الهام... ۱۳۵

۳ / ۴. ایمان... ۱۳۷

۳ / ۵. هشدار و موعظه... ۱۳۹

۳ / ۶. مبارزه با نفس... ۱۴۹

۳ / ۷. از خود حساب کشیدن... ۱۵۱